



حداقل ایمان این است که انسان گناه نمی کند/ هر وقت که کم آوردیم مشخص است کمبودی در ایمان ماست

آیت الله محمدعلی جاودان در جلسه اخلاق با بیان اینکه ایمان یک حداقل دارد که اگر انسان این حداقل را داشته باشد، ایمانش مسلم است. گناه نمی کند.

آیت الله محمدعلی جاودان در جلسه اخلاق با بیان اینکه ایمان یک حداقل دارد که اگر انسان این حداقل را داشته باشد، ایمانش مسلم است. گناه نمی کند. وقتی انسان گناه نمی کند، ایمانش مسلم است. هر کس ایمان دارد از رفتار خود مراقبت می کند، راقبت نیاز حوصله می خواهد. اگر ایمان درست و به اندازه کافی دارم، حوصله وجود دارد. هرچه سختی پیش آید، پایش هستیم. نشانه کمبود این است که یک جایی کم می آورم. هروقت من کم آوردم، نشانه یک کمبودی در ایمانم است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله محمدعلی جاودان در جلسه اخلاق به بررسی وعده خداوند به مؤمنان پرداخت که اکنون متن این سخنرانی از نظر شما می گذرد.

أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحًا وَ الْعَالَمِينَ لِتَرْابِ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءِ وَ لعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

در آیه 185 سوره مبارکه آل عمران می فرماید: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُجِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ در این آیه پنج تا درس هست: اول اینکه هرکسی مرگ را خواهد چشید. بحث مان روی این نیست. وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اجرهای خودتان را در قیامت دریافت خواهید کرد. هرچه زحمت کشیده اید، در قیامت دقیق و صد در صد اجر زحمت خودتان را دریافت خواهید کرد. بدون یک ذره کم و زیاد. وفای به اجر. کامل و دقیق. این هم درس دوم. فَمَنْ رُجِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ کسی که در اثر زحماتی که کشیده بود و کاری که کرده بود، از آتش دور ماند و به بهشت وارد شد، فَقَدْ فَازَ یعنی چه؟ یعنی این آدم برده است. کم چیزی نیست. این زندگی اش را برده است. شما در طول زندگی ات داشتی یک مسابقه می دادی. در یک مسابقه شرکت کرده بودی. همین زندگی ای که ما داریم، یک مسابقه است. در این مسابقه اگر از آتش دور ماندی و به بهشت وارد شدی، بردی. وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ متاع دنیا چیزی جز یک متاع فریب نیست. الْعُرُورُ یعنی فریب. یعنی واقعیت ندارد. آدمی یک مدتی با متاع دنیا سرش کلاه رفته. مثلاً فرض کنید من یک مقام و ثروتی دارم. یک زندگی راحتی دارم. اینها متاع دنیا است. تا پرده برداشته می شود، معلوم می شود اینها خیالات بود. حالا فعلاً به این هم کاری نداریم. خود این احتیاج به بحث دارد. بنابراین یک مرحله اول داری و آن این است که انسان از جهنم نجات پیدا کند و به بهشت برود. اگر به این مرحله برسد، برده است. زندگی اش را نباخته است. کسانی هستند که زندگی شان را می بازند.

در گذشته مکرر از این صحبت شده که یک کسانی خسران می بینند. ضرر کرده است. زندگی اش ضرر کرده. حالا این را به یک معنای دیگر هم می شود عرض کرد. عرض کردم که زندگی انسان یک مسابقه است. همچنین می توان گفت زندگی یک تجارت است. در آیات هم آمده است که آیا ما شما را به یک تجارت نخوانیم؟ اینجا یک تجارتی است و می گوئیم آقایان ببایید اینجا تجارت. بعد هم در آیاتی مانند آیه 8 سوره مبارکه حدید فرمودند: تَوَمَّنْ بِاللّٰهِ وَ یک مجموعه دیگر. به هر صورت زندگی یک تجارت است. شما در این تجارت برده اید. خوب است. خیلی خوب است. یک تجارت بالاتر هم وجود دارد. در آیات قبل یک مجموعه ای از نعمت های دنیوی را نام می برند. در آیه 14 سوره مبارکه آل عمران می فرماید: زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَتَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ وَ یک مجموعه. بعد در آیه بعد می فرماید: قُلْ أُوْتِيتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ آیا شما را به بهتر از این خبر ندهم؟ بهتان خبر ندهم که یک چیز بهتر وجود دارد. لِلَّذِينَ اتَّقَوْا کسانی که زندگی شان را به پاکی گذراندند عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ وَ قَتِي به نزد رب شان بروند، نزد پروردگارشان باغ ها دارند. جنت یعنی باغ. جنات یعنی باغ ها. باغ ها دارند. تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ زیر درختانش نهرها جاری است.

خَالِدِينَ فِيهَا در این باغ ها ابدی هستند. وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ هرکسی زن یا مرد یک زوج مطهر دارد. ازواج بهشتی مطهر هستند. مطهر یعنی چه؟ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ یک سری نعمت را می شمارد و از همه بالاتر وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ رضای خدا را هم دارند. این درمورد چه کسانی بود؟ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا کسانی که به پاکی زندگی کرده اند، نزد پروردگارشان باغ و یک مجموعه نعمت دیگر دارند. از همه بالاتر وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ. این را در نظر داشته باشید. باز یک مطلب بهتر از این هم گفته می شود. در آیه 72 سوره مبارکه توبه می فرماید: وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ لَا يَغَيَّرُ اللّٰهُ مَوَدَّتَهُمْ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَنْبَغِينَ فِيهَا نِكَاحٌ غَيْرُ الَّذِي كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ أَلْجَنَابُ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَٰذِهِ جَنَّةٌ خَالِدِينَ فِيهَا فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ أَسْرَارٌ مِّنْ دُونِ الْأَسْرَارِ وَ لَا فِيهَا فِيهَا جَنَّاتُ عِدْنٍ فِيهَا نَضْرِبُ الْفُلْجَ فِيهَا وَ الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ لَا يَغَيَّرُ اللّٰهُ مَوَدَّتَهُمْ وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَنْبَغِينَ فِيهَا نِكَاحٌ غَيْرُ الَّذِي كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ أَلْجَنَابُ الْمُؤْمِنِينَ فِي هَٰذِهِ جَنَّةٌ خَالِدِينَ فِيهَا فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَ أَسْرَارٌ مِّنْ دُونِ الْأَسْرَارِ وَ لَا فِيهَا فِيهَا جَنَّاتُ عِدْنٍ فِيهَا نَضْرِبُ الْفُلْجَ

مُطَهَّرَةً آنجا هیچ چیز ناپاک وجود ندارد. سرزمین پاکی تام و تمام است. اگر من هنوز یک مقداری در سینه ام کینه باشد، نمی شود دیگر.

اگر در سینه من کینه باشد، نمی شود. آنجا سرزمینی است که فقط در آن پاکی هست و هیچ چیز غیر پاک وجود ندارد. در آیه 23 سوره مبارکه طور می فرماید: لَا لَعَوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ نه سخن و کار لغو آنجا وجود دارد و نه تأییم. تأییم یعنی گناه. هرچه هست خوبی و پاکی و درستی است. در آیه 108 سوره مبارکه کهف می فرماید: لَا يَبْعُوْنَ عَنْهَا حَوْلاً کسی که داخل آنجا شد، فرض بیرون آمدن نمی کند. بهتر از آنجا فرض ندارد. بنابراین هیچ جای دیگری را فرض نمی کند. اینجا چه فرموده بود؟ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً مَسَاكِن طیبه. دیوارهایش مطهر و طیب است. حالا یک جا لفظ طیب را به کار بردند و یکجا لفظ مطهر. حالا اینها را من می گویم. بفرمایید دیوارش، زمینش، آبش، هوایش، درختش. هرچیزی که آنجا هست پاک و طیب است. فی جَنَاتٍ عَدْنٍ درمورد جنات عدن فرمودند یعنی جایی که اصلاً دست نخورده است. ببینید شما یک بهشتی برای خودت دارید. چرا؟ چون خودت ساخته ای. مثلاً من در ساختمان بهشت شما شریک نیستم. اصلاً نمی شود که شریک باشم. من اگر کاری انجام دهم، دارم برای خودم بهشت می سازم. اگر بهشت ساخته بودی، خب. اگر جهنم ساخته باشی که نمی شود به بهشت بروی. وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ جنات عدن یعنی بهشت دست نخورده. از لای زر ورق باز می کنند و به شما تحویل می دهند. در آنجا در انتها فرمود: وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ و ن فرمود که رضوان به چه معناست. اینجا می فرماید: وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ از همه نعمت هایی که فقط یک ذره شان را اینجا گفتیم و شما باید کل قرآن را بگردید تا نشانه هایی از آنچه که نعمت های بهشتی در آن هست ببینید، رضایت خدا از همه بالاتر است.

در آیه 35 سوره مبارکه رعد می فرماید: مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ مثل. اینهایی که برای شما می گویند مثال است. مثال با واقعیت فرق می کند دیگر. اینها مثال است. شما از این نمی فهمید که این یعنی چه. یک تصور کوچک و حقیر و اندکی از آن واقعیت پیدا می کنید. خب؟ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ رضای خدا از همه آن نعمت ها برتر است. شخص مومن به بهشت رفته و آنجا خدا را از خودش راضی می بیند. ما نمی فهمیم خدا یعنی چه. برای خدا هم یک تصور ناقص چگونه داریم. ناقص هم بگوییم بد است. آنجا که شما به واقعیت آشنا شده ای، آنجا که به واقعیت عالم آشنا شده ای، متوجه می شوی. اینجا شما اصلاً از واقعیت خبر نداری. یک وقت هایی آیات دیگر را عرض کرده بودم. وقتی این عالم به هم می خورد و ما به قیامت پا می گذاریم، آنجا می فهمیم که زمین در ید قدرت خدای تبارک و تعالی مانند یک سکه کوچکی است که دارد در دست تو می گردد. تازه این مثال هم درست نیست. مثال قدرت خدای متعال نسبت به زمین و نسبت با عالم، اصلاً با این مثالی که زدیم، نسبت ندارد. می گوییم یک سکه کوچک در مشت تو، چطور تحت قدرت توست. اما در واقع تحت قدرت تو نیست. یک حد اندکی تحت قدرت توست. مثلاً اگر شما بخواهی آن را خمیر کنی، نمی توانی. بخواهی عدد رویش را زیاد کنی و صد هزار میلیارد رویش نوشته باشد، نمی توانی. نیست. قدرت نداری. یک اندک قدرتی نسبت به آن داری و فقط می توانی زیر و بالایش کنی. می گویند در روز قیامت می بینی که زمین در دست خدای متعال اینگونه است.

بعد این سوال پیش می آید که مگر در دنیا اینگونه نبوده؟ الان خدای متعال نسبت به زمین قدرت ندارد؟ نمی تواند زیر و رویش کند؟ خب می تواند زیر و رویش کند. پس چرا می گویی در قیامت. در قیامت این فهمیده می شود. شما خدای خودت را در قیامت می شناسی. شهود می کنی. آن خدایی که با آن عظمت شهود می کنی، می دانی و می فهمی و حس می کنی که از تو راضی است. این نعمت انقدر بزرگ است که باز ما تصورش را نداریم و فقط یک خیالی از آن می کنیم. انقدر این نعمت بزرگ است. وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ آقا آن نعمت هایی که شمردند، یک دانه اش برای اینکه انسان مدهوش شود کافی است. مثال می زدند که اگر یک دانه از برگ های بهشتی را به این عالم بیاورند، همه این عالم بهشت می شود. زمین های خشک بی آب و علف همه سبز و خرم در درجه اعلا می شود. خب وقتی یک برگش انقدر زنده است و انقدر سبز و خرم است که وقتی به این عالم بیاید، این عالمی که اندکی از آن سبز و خرمی دارد را به کل سبز و خرم می کند و نمی دانیم چه اندازه سبز و خرم می شود، اگر اینجا می توانستیم آن یک دانه برگ را ببینیم، مدهوش شده بودیم و از دست رفته بودیم. آنجا می گویند اینهایی که همه عالم را مدهوش می کند که چیزی نیست. وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ رضای خدا از همه بالاتر است. متأسفانه این حرف ها برای ما در حد شنیدن است آن هم شنیدن ناقص چون بنده ناقص می گویم دیگر. بلد نیستم بگویم. شما هم بلد نیستید بشنوید.

در ادامه آیه می فرماید: ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ آنجا چه گفتند؟ فَمَنْ رُحِرَ عَنِ التَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ این بردن است. حالا مثال این عالمی اش اینگونه است. یک کسی مدال برنز برده است و یک کسی مدال طلا برده است. حالا مثال است ها. اصلاً ربطی ندارد. برای فهم می گویم. آن که مدال طلا برده، مدال برده است. ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ فوز عظیم آن رضایت است که این آدم به آن می رسد. خب مبنای این چه بود؟ به چه دلیل این آدم به فوز عظیم رسیده بود؟ به چه دلیل بود؟ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ آنجا فرمودند قُلْ أَوْفَيْتُكُمْ بِحَيْثُ مِّنْ دَلِيلٍ لِّدِينٍ اتَّقُوا کسانی که تقوا داشتند. اینجا می فرمایند خدای تبارک و تعالی به کسانی که ایمان دارند وعده کرده است. ببینید این را مکرر عرض کردیم. یک وقتی یک دستور و حکم و نتیجه ای را بر یک چیزی بار می کنند. مانند اینجا که می فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَاتٍ برای مومنین و مومنات است. نمی گویند برای محمد و علی و حسین است. می شد اینگونه بگویند. مثلاً نام تمام بهشتی ها را اینجا بگویند و بعد بگویند برای فلانی و فلانی و فلانی جَنَاتٍ. اما نه. دلیلش را گفته اند. می گویند شما پدرت را احترام کن. کلمه پدر، دلیلش است. می گویم چون پدرت است، احترام کن. معلمت را احترام کن. داریم دلیل می گویم. به دلیل اینکه پدر و معلم است. اینجا می گوید وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. چون مومن هستند. ایمان دلیل است. حداقل ایمان چیست؟ ایمان یک حداقل دارد که اگر انسان این حداقل را داشته باشد، ایمانش مسلم است. گناه نمی کند. وقتی انسان گناه نمی کند،

ایمانش مسلم است. امضا دارد. اینجا می گویند هرکس مومن است، هرکس مومن است جَتَاتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا. مَسَاكِينَ طَيِّبَةً. أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ. و بعد وَرَضُوا مَنْ مَنِ اللَّهُ أَكْبَرُ آنجا را هم مبتنی بر تقوا کرده اند. در عمل از رفتار و اعمال خودش مراقبت می کند. این مراقبت حوصله می خواهد. اگر من ایمان درست و به اندازه کافی دارم، حوصله دارم و پایش هستم. هرچه سختی پیش آمد، پایش هستم. اما اگر کمبود دارم، نشانه کمبود این است که یک جایی کم می آورم. هروقت من کم آوردم، نشانه یک کمبودی در ایمانم است. ایمان یک واقعیت است. یک واقعیت در ساختمان شماست. ببینید ساختمان تمام است. می توان از ساختمان تمام، بار کامل کشید. یک ماشین سالم است و می تواند آن مقداری که گفته اند سرعت برود. ماشین سالم و دقیق و درست که هیچ مشکلی ندارد. یک دانه پیچش شل باشد ممکن است خوب نرود. حتی یک پیچ. وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَتَاتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً. مساکین طیبه. ازواج مطهره. مدام از این موارد بشمارید. هرچیز دیگری که آنجا بگویید، طیب است و مطهر است. فِي جَتَاتِ عَدْنٍ وَرَضُوا مَنْ مَنِ اللَّهُ أَكْبَرُ عرض کردم که می فرماید: ذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ هیچ کس دیگری به بزرگ تر از این نرسیده. بردنی بیشتر از این نداشته. ببینید الان تمام سرمایه من و شما برای بدست آوردن اینها عمر ماست. هیچ چیز دیگری نیست. شما یک عمر داری که می توانی در آن ایمان و تقوا تحصیل کنی. اگر ایمان و تقوا تحصیل کردی، وَرَضُوا مَنْ مَنِ اللَّهُ أَكْبَرُ. خب من چقدر این سرمایه را حرام می کنم. چقدر؟